

# بررسی تطبیقی قلمرو عصمت پیامبر اسلام (ص)

## از دیدگاه

## اشاعره، معتزله و امامیه

محمد خانی

بررسی تطبیقی قلمرو و ابعاد عصمت پیامبر اسلام ﷺ، از نگاه اشاعره، امامیه و معتزله موضوع این مقاله می‌باشد که نظر به گستردگی بحث و رعایت اختصار، بخش نخست آن (عصمت قبل از بعثت) را در این شماره و بخش دوم (عصمت پس از بعثت) را که شامل: عصمت در دریافت و ابلاغ وحی و سایر گناهان می‌گردد، در شماره بعدی ارائه خواهیم کرد. در این نوشتار با استفاده از منابع معتبر سه فرقه، نظریات آنان جمع‌آوری و سپس در پایان هر بخش تطبیق کلی صورت گرفته است.

### مقدمه

است که در این مسئله داده شده است مانند تفصیل بین عصمت انبیاء قبل از بعثت و بعد از آن. پس از بعثت و در

زمان نبوت هم تفصیل بین عصمت از گناهان، عصمت در مقام دریافت و تبلیغ وحی، عصمت در امور شخصی و فردی

مسأله عصمت انبیاء از گناه و خطا به طور اجمال مورد قبول همه مسلمین و از جمله فرقه‌های مهم اشاعره و معتزله می‌باشد اما یکی از اختلافاتی که در این مورد وجود دارد در قلمرو این مسئله می‌باشد و منشأ این اختلاف تفصیلاتی

مطرح شده است. در برخی از این اقوال سخن از عمد و سهو نیز مطرح شده است. نظر به گستردگی بحث و رعایت اختصار، عصمت پیامبر اکرم ﷺ را به دو بخش قبل و بعد از بعثت تقسیم نموده و دو مرحله از مراحل مهم عصمت پیامبر اکرم ﷺ یعنی عصمت در دریافت و ابلاغ وحی و عصمت از گناهان را در بخش عصمت پس از بعثت بحث خواهیم کرد. مرحله سوم آن (سهو و نسیان به طور مطلق) نیازمند مجال گسترده است.

در بررسی‌های تطبیقی، اختلاف آراء از حالت ابهام خارج گشته و موضوع کاملاً شفاف و واضح خواهد شد و می‌توان نظریه صواب را از میان این اختلاف‌ها بهتر تشخیص داد. در بخش اول یعنی عصمت پیامبر ﷺ قبل از بعثت که برخی از آن با عنوان «عصمت در اعتقادات» و یا «وقت عصمت انبیاء» نام برده‌اند نظریات سه فرقه را ذکر خواهیم کرد.

در بخش دوم یعنی عصمت پیامبر ﷺ بعد از بعثت در سه مرحله بحث خواهیم کرد:

۱. عصمت در دریافت، حفظ و تبلیغ

وحی.

۲. عصمت از گناهان.

۳. عصمت از خطا و اشتباه، سهو و نسیان؛ (این مرحله نیازمند تحقیقی گسترده است).

### الف) عصمت پیامبر ﷺ قبل از بعثت

#### دیدگاه اشاعره

چنان که اشاره شد برخی، این بخش را تحت عنوان زمان عصمت انبیاء بحث کرده‌اند که از آن جمله علامه مجلسی<sup>(۱)</sup> می‌باشد، ایشان در این بخش، اعتقاد اشاعره را از زمان نبوت می‌داند و این نظریه را به اکثر اشاعره و فخر رازی نسبت داده است.

اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اشاعره عصمت پیامبران را قبل از بعثت در دو بخش بحث کرده‌اند:

۱. عصمت از کفر، ۲. عصمت از گناهان که در مورد عصمت از کفر و شرک تقریباً همه فرق اسلامی بر آن متفقند به جز

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۱، ج سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۹۱-۸۹.

أكثر أصحابنا والذي نقول، إن الأنبياء عليهم الصلاة والسلام معصومون في زمان النبوة عن الكبائر والصغائر بالعمد» (۲)

شاهد بر این تفصیل عبارت جرجانی در شرح مواقف و قاضی عضد ایجی در المواقف است. ایشان بین ارتکاب گناه کبیره و صدور کفر و شرک در پیامبران تفصیل قائل شده و گفته است:

۱. گروهی از حشویه گفته‌اند: محمد ﷺ قبل از بعثت کافر [العیاذ بالله] بود. اینان استناد کردند به قول خداوند که می‌فرماید: خدا تو را گمراه یافت و هدایت کرد و برغوث متکلم یکی از افراد فرقه نجاریه می‌گوید پیامبر اکرم ﷺ قبل از بعثت به خدا ایمان نداشت زیرا خداوند درباره ایشان می‌فرماید تو از کتاب و ایمان چیزی نمی‌دانستی» ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۷، ص ۹.

۲. «در مورد زمان عصمت پیامبران نیز اختلاف اقوال هست: برخی گفته‌اند عصمت، از ابتدای ولادت تا آخر عمر واجب است. اکثر متکلمان گفته‌اند عصمت در زمان نبوت واجب است اما قبل از آن واجب نیست و آنچه من می‌گویم این است که: پیامبران در زمان پیامبری واجب است معصوم باشند. از گناهان عمدی» فخر رازی، محمد بن عمر، عصمة الانبياء، منشورات الکتبی النجفی،

فرقه فضیلیه از خوارج که هر گناهی را کفر دانسته و بر همین مبنا صدور کفر و گناه را از پیامبران در زمان قبل از عصمت جایز می‌دانند و همچنین فرقه حشویه و نجاریه که قائل به عدم عصمت پیامبر ﷺ بوده‌اند.

ابن ابی الحدید در تقریر این قول می‌نویسد: «وقال قوم من الحشوية: قد كان محمد ﷺ كافراً قبل البعثة واحتجوا بقوله تعالى: ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ وقال برغوث المتكلم وهو أحد النجارية: لم يكن النبي ﷺ مؤمناً بالله قبل أن يبعثه لأنه تعالى قال له: ﴿ما كنت تدري ما الكتاب ولا الإيمان﴾» (۱).

بنابراین بهتر بود علامه مجلسی در این نسبتی که به اشاعره داده است بین عصمت از کفر و عصمت از گناهان تفصیل قائل می‌شد. اما در هر حال این نسبتی که به اشاعره و فخر رازی داده است صحیح می‌باشد چرا که فخر رازی در این باره می‌نویسد: «واختلفوا أيضاً في وقت وجوب هذه العصمة فقال بعضهم: أنها من أول الولادة إلى آخر العمر وقال الأكثرون: هذه العصمة إنما تجب في زمان النبوة فإما قبلها فهي غير واجبة وهو قول

«و اما سائر الذنوب یعنی به ما سوى الكذب فى التبليغ فهى اما كفر أو غيره من المعاصى واما الكفر فاجمعت الأمة على عصمتهم منه قبل النبوة وبعدها ولا خلاف لأحد منهم فى ذلك غير ان الازارقة من الخوارج جوزوا عليهم الذنب...»<sup>(۱)</sup>

و در جایی که بحث از عصمت گناهان قبل از بعثت می‌باشد می‌گوید:

«...و اما قبله (قبل الوحى والنبوة) فقال الجمهور، أى أكثر أصحابنا وجمع من المعتزلة، لا يمتنع أن يصدر عنهم كبيرة إذ لا دلالة للمعجزة عليه (أى على امتناع الكبيرة قبل البعثة) ولا حكم للعقل بامتناعها ولا دلالة سمعية عليه أيضاً.»<sup>(۲)</sup>

نظیر همین عبارات که شاهد دیگری بر مدعای ما می‌باشد سخن فخر رازی در کتاب المحصل می‌باشد. او در این باره می‌نویسد: «و اما انه هل يجوز فعل الكبيرة على الأنبياء قبل البعثة فالأكثر من أهل السنة جوزوا ذلك...»<sup>(۳)</sup>

و در جایی که عصمت از کفر پیامبران را قبل از عصمت مطرح می‌کند اعتقاد فضیلیه را که قائل به عدم عصمت در این بخش هستند نقد می‌کند.<sup>(۴)</sup>

تفتازانی هم که از بزرگان اشاعره

محسوب می‌شود در موارد متعددی همین نظر را مطرح کرده است او در شرح المقاصد<sup>(۵)</sup> و نیز در کتاب شرح العقائد النسفية همین نظر را برگزیده است او در این کتاب می‌نویسد: «وهو أنهم معصومون عن الكفر قبل الوحى وبعده... و اما قبل الوحى فلا دليل على امتناع صدور

۱. «و اما سایر گناهان (به جز کذب در تبلیغ) یا کفر است و یا غیر کفر (گناهان): و اما در مورد کفر، اجماع امت بر آن است که پیامبران قبل و بعد از نبوت، از آن معصوم هستند به جز فرقه ازارقه از خوارج که با این قول مخالف هستند و ارتکاب گناه را جایز شمرده‌اند» جرجانی، علی بن محمد، شرح المواقف، پیشین، ج ۸، ص ۲۸۸.

۲. «جمهور از مسلمانان یعنی اکثر اصحاب ما (اشاعره) و گروهی از معتزله گفته‌اند: صدور گناهان کبیره قبل از وحی و پیامبری جایز است زیرا معجزه، بر این امر دلالت ندارد و دلیل عقلی یا نقلی، عصمت قبل از وحی را ثابت نمی‌کند». همان، ص ۲۹۰.

۳. «و اما این که آیا قبل از بعثت جایز است که از پیامبران گناه کبیره صادر شود؟ اکثر علمای اهل سنت جایز دانسته‌اند» فخرالدین رازی، محمد بن عمر، کتاب المحصل، ص ۵۲۷.

۴. همان، ص ۵۲۳.

۵. مسعود بن عمر، تفتازانی، شرح المقاصد، پیشین، ج ۵، ص ۵۰.

الکبيرة» (۱)

می‌نویسد: «... فقد ثبت أنه لا يجوز على الأنبياء الكبيرة لا قبل البعثة ولا بعدها» (۲)  
 او در کتاب مغنی با اختصاص، فصلی با عنوان: «فی أن الكبائر وما یجری فی التنفیر لا یجوز علیهم قبل البعثة» (۳)  
 عقیده خویش را در این باره ابراز می‌کند.  
 او در جای دیگر می‌نویسد: «علی أن من حق النبی أن لا یقع منه کفر ولا کبيرة» (۴)

همچنین ابن ابی‌الحدید در این باره می‌نویسد: «فالدی علیه أصحابنا المعتزلة رحمهم الله أنه یجب ان ینزه النبی قبل البعثة عما کان فیہ تنفیر عن الحق الذی

بنابراین خلاصه نظر اشاعره را این گونه می‌توان بیان نمود: عصمت پیامبر ﷺ را قبل از بعثت در بخش گناهان کبیره (به غیر از کفر و شرک) جایز می‌دانند اما در بخش کفر و شرک جایز نمی‌دانند و قائل به عصمت در این بخش هستند.

باید توجه داشت که شرک و کفر نیز یکی از گناهان کبیره می‌باشد و تفصیل بین این دو بخش توجیهی ندارد، مگر آن که مقصود آنها، گناهان غیر از شرک و کفر باشد.

### دیدگاه معتزله

چنان که بیان شد در مورد عصمت پیامبران خصوصاً عصمت پیامبر اسلام ﷺ که افضل انبیاء می‌باشد و از این حکم مستثنا نیست در بخش عصمت از شرک و کفر تمام فرق اسلامی از جمله فرق معتزله بر این مطلب اتفاق نظر دارند اما در بخش سایر گناهان به غیر از شرک و کفر، معتزله بر خلاف نظر اشاعره قائل به عصمت می‌باشد.

قاضی عبدالجبار در این باره

۱. «...[پیامبران] قبل و بعد از نبوت معصوم از کفر هستند ولی صدور گناهان کبیره قبل از آن ممتنع نیست» مسعود بن عمر، تفتازانی، شرح العقائد النسفیة، چاپ اول، مصر، انتشارات مکتبة الکلیات الازهریة، ۱۴۰۷ق، ص ۸۹.

۲. «... ثابت شده است که قبل بعثت و بعد از آن صدور گناه کبیره از پیامبران جایز نیست» همدانی اسدآبادی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، پیشین، ص ۳۸۷.

۳. همدانی الاسدآبادی، عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، ج ۱۵، قاهره، الدارالمصریه، ۱۳۸۵ق، ص ۳۰۴.

۴. «لازم است که هیچ گونه گناه کفر و یا کبیره‌ای از پیامبر صادر نگردد» همان، ج ۲۰، ص ۱.

یدعو الیه و عما فیہ غضاضة و عیب» (۱)

فضل بن شاذان نیز در کتاب الايضاح به همین مطلب تصریح کرده و گفته: «ومنعت المعتزلة من وقوع الكبائر والصغائر المستخفة من الأنبياء قبل النبوة» (۲)

چنان که معلوم است معتزله علاوه بر عصمت در گناهان کبیره، عصمت در اموری را نیز که مایه عیب و نقص پیامبر ﷺ باشد قائل هستند. البته ابن ابی الحدید در این جا به تفصیل قائل است و می گوید: «اگر آن فعل پست در نزد پیروان پیامبر جزء موارد پست و زشت تلقی نگردد اشکالی ندارد ولی اگر جزء موارد پست و زشت محسوب شود اشکال دارد».

البته در میان فرقه معتزله، ابوعلی جبائی ارتکاب کبیره را قبل از بعثت بر انبیاء روا داشته است. (۳)

بنابراین طبق دیدگاه مشهور معتزله پیامبران قبل از بعثت از شرک و کفر و همچنین گناهان کبیره معصوم هستند اما در مورد گناهی که موجب حقارت پیامبر نگردد از سوی ابن ابی الحدید و قاضی عبدالجبار جایز شمرده شده است و

دلیل خویش را عدم ایجاد نفرت در این گونه گناهان می دانند و تنها لازمه ای که بر این گونه گناهان حمل می کنند تقلیل ثواب است. (۴)

### دیدگاه امامیه

شیعه امامیه قبل از بعثت و پس از آن قائل به عصمت پیامبران به ویژه پیامبر اکرم ﷺ است. امامیه معتقدند پیامبران قبل از بعثت موحد و خداپرست بوده و هیچ گونه گناه کبیره و یا صغیره ای را مرتکب نشده اند. همچنین در بخش دوم

۱. «عقیده اصحاب معتزله ما درباره پیامبران) آن است که ایشان از هر چیزی که سبب دوری از حق می گردد که پیامبر به سوی آن دعوت می کند و نیز از آنچه موجب خواری و نقصان ایشان می گردد به دور هستند». ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۷، ص ۸.

۲. «معتزله صدور گناه کبیره و نیز گناهان صغیره ناچیز را قبل از بعثت منع کرده اند» نیشابوری، فضل بن شاذان، الايضاح، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۴۲.

۳. همدانی اسدآبادی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، پیشین، ص ۳۸۷.

۴. همدانی اسدآبادی، عبدالجبار بن احمد، المغنی، پیشین، ج ۱۵، ص ۳۰۹.

صفات امام می‌فرماید: «انّه [الإمام] معصوم من الذنوب کُلّها صغیرها وکبیرها لا یزل فی القتیا ولا یخطئ فی الجواب ولا یسهو ولا ینسی ولا یلهو بشیء من أمر الدنیا»<sup>(۳)</sup>

۳. امام باقر علیه السلام درباره حضرت ایوب علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّ أَيْوَبَ علیه السلام ابتلی سبع سنین من غیر ذنب وإنّ الأنبیاء لا یذنبون لأنهم معصومون مطهرون لا یذنبون ولا یزیغون ولا یرتکبون ذنباً صغیراً ولا کبیراً»<sup>(۴)</sup>

۴. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الأنبیاء وأوصیائهم لا ذنوب لهم لأنهم معصومون

عصمت یعنی پس از بعثت در دو مرحله آن که عبارت است از عصمت در دریافت و ابلاغ وحی و عصمت در سایر گناهان، قاطبه امامیه بر عصمت انبیاء تأکید دارند اما در مورد مرحله سوم عصمت یعنی عصمت از سهو و فراموشی میان شیعه امامیه اختلاف است، لکن مشهور امامیه در این زمینه نیز قائل به عصمت پیامبران می‌باشند.

#### الف) سخنان پیشوایان امامیه

طبق سخنان پیامبر و امامان شیعه، عصمت پیامبران از اصول مسلم و قطعی است که بر آن اصرار داشته‌اند. در این زمینه روایات متعددی رسیده است. اینک برخی از روایات در این زمینه را نقل می‌نماییم:

۱. ابن عباس می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شنیدم که فرمود: «من و علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین پاک و معصومیم؛ أنا و علی و الحسن و الحسین و تسعة من ولد الحسین مطهرون معصومون»<sup>(۱)</sup>

۲. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أما أمر الله بطاعة الرسول صلی الله علیه و آله لأنه معصوم مطهر لا يأمر بمعصيته»<sup>(۲)</sup>

ایشان در حدیث دیگری در بیان

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۱.

۲. «همانا خداوند امر به اطاعت از رسول خود نموده زیرا ایشان پاک بوده و امر به معصیت نمی‌کند» حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۹.

۳. «امام، معصوم از گناهان کبیره و صغیره است و در بیان فتوی و پاسخ به سؤالات دچار لغزش و اشتباه نمی‌شود، سهو و فراموشی ندارد و مشغول به امر دنیا نیز نمی‌گردد» مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۶۳.

۴. «ایوب هفت سال بی‌گناه مبتلا شد، انبیاء گناه نمی‌کنند چون معصوم و پاکند و آنان مرتکب گناه کوچک یا بزرگ نمی‌شوند» همان، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

مطهرون» (۱)

امامیه اصلی است که نه تنها از سوی پیشوایان شیعه مطرح شده، بلکه علما و اندیشمندان این فرقه نیز به پیروی از پیشوایان خود این عقیده را دنبال نموده‌اند. علما و اندیشمندان شیعه بعد از امامان خویش تا زمان حاضر در آثار خویش به این مسئله پرداخته و در برخی موارد کتاب مستقلی را در این باره نگاشته‌اند. (۴)

در این بخش عبارات عالمان شیعه را

۵. علی بن محمد بن جهم می‌گوید: «در مجلس مأمون حاضر شدم و حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز تشریف داشتند، آن گاه مأمون رسید: ای پسر رسول خدا آیا شما نمی‌فرمایید که پیامبران معصومند؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: آری. سپس حضرت در جواب مأمون آیاتی را که از آنها گمان عدم عصمت پیامبران می‌رسید توجیه نمودند. (۲)

روایت دیگری نیز از آن حضرت رسیده است که اگر چه واژه عصمت در آن بکار نرفته اما معنا و مفهوم آن کاملاً از بیان آن حضرت هویدا می‌باشد.

امام هشتم علیه السلام به مأمون نامه نوشت: «لا یفرض الله عز وجل من یعلم انه یضلهم ویغویهم ولا یختار لرسالته ولا یصطفی من عباده من یعلم انه یکفر به ویعباده ویعبد الشیطان دونه» (۳)

شایان ذکر است که از این قبیل روایت‌ها فراوان بوده و در کتاب فریقین ذکر شده است.

ب) اقوال اندیشمندان و عالمان شیعه

نظریه عصمت انبیاء در میان فرقه

۱. «پیامبران و اوصیای آنان گناهی ندارند زیرا آنان معصوم و پاک هستند» همان، ج ۲۵، ص ۱۹۹.

۲. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۲۶.

۳. «خداوند فرمان کسی را واجب نکرده که می‌داند او مردم را گمراه می‌کند و از راه به در می‌برد و برای رسالت خویش کسی را بر نمی‌گزیند و از بندگانش کسی را انتخاب نمی‌فرماید که می‌داند او به خدا و بندگی خدا کفر می‌ورزد و شیطان را به جای خدا عبادت می‌کند» ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، بی‌جا، انتشارات جهان، ۱۳۸ق، ص ۱۲۵.

۴. مانند تنزیه الانبیاء، سید مرتضی، عدم سهو النبی شیخ مفید و عصمة الانبیاء و الرسل، علامه عسکری و...



وممّا يستخف فاعله من الصغائر كلها وأما ما كان من صغير لا يستخف فاعله فجائز وقوعه منهم قبل النبوة وعلى غير تعمد وممتنع منهم بعدها على كل حال وهذا مذهب جمهور الإمامية»<sup>(۳)</sup>

در دو قسمت مستقدمین و متأخرین (معاصر) بررسی می‌نماییم؛ دیدگاه متقدمین

شیخ صدوق رحمته الله

شیخ صدوق رحمته الله می‌نویسد: «اعتقادنا فی الأنبياء والرسل والأئمة والملائكة صلوات الله عليهم أنهم معصومون مطهرون من كل دنس وأنهم لا يذنبون صغيراً ولا كبيراً ولا يعصون الله ما أمرهم ويفعلون ما يؤمرون ومن نفى عنهم العصمة في شيء من أحوالهم فقد جهلهم»<sup>(۱)</sup>

شیخ مفید رحمته الله

عبارات شیخ در مصنفات ایشان پیرامون مسئله عصمت متعدد و ناهمگون می‌باشد. ابتدا عبارات ایشان را از تألیفات مختلف ایشان آورده و سپس به بررسی و تحلیل عبارات می‌پردازیم؛

عبارات ایشان در کتاب النکت الاعتقادية:

«فان قيل، هذا النبي الذي اثبتوه معصوم أم لا؟ فالجواب: معصوم من أول عمره إلى آخره عن السهو والنسيان والذنوب الكبائر والصغائر عمداً وسهواً»<sup>(۲)</sup>

عبارت ایشان در اوائل المقالات:

«أن جميع الأنبياء (صلوات الله عليهم) معصومون من الكبائر قبل النبوة وبعدها

۱. «اعتقاد ما [شيعه اماميه] درباره پیامبران و رسولان و امامان و ملائکه آن است که ایشان معصوم و پاک از هر گونه پلیدی هستند و مرتکب هیچ گونه گناه کبیره یا صغیره نمی‌شوند و در آنچه خداوند آنها را مأمور ساخته معصیت نمی‌کنند. کسی که به عصمت ایشان قائل نباشد همانا به بیراهه رفته و آنها را نشناخته است» ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) محمد بن علی، الاعتقادات فی دین الامامیه، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶.

۲. «اگر گفته شود این پیامبری که ثابت کردید، آیا معصوم است یا نه؟، در جواب می‌گوییم: بلی از ابتدا تا آخر عمر معصوم از هر گونه گناه کبیره و صغیره عمدی و سهوی است و دچار سهو و فراموشی نمی‌شود» محمد بن محمد بن نعمان، النکت الاعتقادية، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷.

۳. «همانا پیامبر صلوات الله علیه از زمانی که خداوند او را آفرید تا زمانی که قبض روح نمود هیچ گونه گناه و فراموشی از ایشان صادر نگشت و به همین مطلب آیات قرآن و اخبار متواتر از اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد و این مذهب جمهور شیعیه امامیه است» همان.

عبارت ایشان در تصحیح الاعتقاد:  
 «الأنبياء والأئمة عليهم السلام من بعدهم  
 معصومون في حال نبوتهم وامامتهم من  
 الكبائر كلها والصغائر والعقل يجوز عليهم  
 ترك مندوب إليه على غير التعمد للتقصير  
 والعصيان ولا يجوز عليهم ترك مفترض الا  
 ان نبينا ﷺ والأئمة عليهم السلام من بعده كانوا  
 سالمين من ترك المندوب والمفترض قبل  
 حال امامتهم وبعدها»<sup>(۱)</sup>

### تحلیل و بررسی قول شیخ مفید

چنان که از عبارات ایشان پیداست  
 گفتار او در کتاب اوائل المقالات با دیگر  
 کتاب‌های ایشان تفاوت دارد و در این  
 میان نکته‌ای را یادآور می‌شویم:

از این عبارات این گونه برداشت  
 می‌شود که ایشان در مورد عصمت سایر  
 پیامبران (به جز پیامبر اسلام ﷺ) قائل به  
 تفصیل است یعنی صدور گناهی را که  
 موجب خواری و پستی پیامبر نگردد، قبل  
 از بعثت آن پیامبر جایز می‌داند اما بعد از  
 بعثت را ممتنع می‌داند و قائل به عصمت  
 مطلق ایشان در تمام موارد است و  
 عبارت ایشان در کتاب النکت الاعتقادیه  
 که تصریح به عصمت مطلق پیامبران  
 (عصمت از ابتدای خلقت تا آخر عمر، به

عدم صدور گناه صغیره و کبیره چه به  
 صورت سهوی و چه به صورت عمدی)  
 می‌کند در مورد پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد  
 و شاهد بر این مدعا این است که اولاً  
 اشاره به «هذا» می‌کند (یعنی همین پیامبر  
 اسلام ﷺ که پیامبری او را ثابت کردید)  
 و ثانیاً: قبل از عبارت، سخن پیرامون  
 پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد و ثالثاً در کتاب  
 تصحیح الاعتقاد تصریح می‌کند که: عقل  
 ترک فعل مستحب را در مورد پیامبران  
 جایز می‌داند اما در مورد پیامبر  
 اسلام ﷺ این مطلب را تخصیص زده  
 است و قائل به عصمت مطلق ایشان حتی  
 در افعال مستحبی می‌باشد و رابعاً نوشتن  
 رساله‌ای به نام عدم سهوالنبی در مورد  
 پیامبر اکرم ﷺ شاهد دیگری بر مدعای  
 ماست.

۱. «پیامبران و ائمه عليهم السلام بعد از ایشان در  
 زمان پیامبری و امامتشان معصوم از هر  
 گناه کبیره و صغیره هستند ولی عقل، ترک  
 فعل مستحبی را که از روی عمد و کوتاهی  
 نباشد برای ایشان جایز می‌شمارد اما  
 پیامبر ما و ائمه طاهرين عليهم السلام حتی از ترک  
 مستحب نیز معصوم هستند، چه قبل از  
 نبوت و امامتشان و چه بعد از آن»  
 تصحیح اعتقادات الامامیه، دوم، بیروت،  
 دارالمفیده، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۹.

شیء من المعاصی والذنوب کبیراً کان أو صغیراً لا قبل النبوة ولا بعدها» (۴)  
 محقق بحرانی

۱. «پیامبر واجب است که معصوم باشد تا اطمینان به دعوت او حاصل شود و نیز به علت و وجوب مطابعت از ایشان (که از طرف خدا مأمور هستیم، زیرا در صورت امکان صدور نافرمانی خدا از او، متابعت او واجب نخواهد بود» حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۹.

۲. «شیعه امامیه بر آن است که پیامبران قبل از بعثت و بعد از آن از گناهان کبیره و صغیره، عمداً و سهواً معصوم هستند» حلی، حسن بن یوسف، انوارالملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق محمد نجفی، چاپ دوم، بی جا، انتشارات الرضی و بیدار، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۹۶.

۳. حلی، حسن بن یوسف کشف المراد، ص ۳۴۹، نهج الحق وکشف الصدق، چاپ چهارم، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ هـ، ص ۱۴۳ و باب حادی عشر، ص ۲۰۴ و الفئین، ج ۱، چاپ اول، قم المؤسسة الاسلامیه للبحوث والمعلومات ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۵ و دلائل الصدق، ج ۱، ص ۵۹۸.

۴. «شیعه امامیه عقیده دارد: صدور هیچ گونه گناهی چه صغیره و چه کبیره قبل از بعثت و پس از آن از پیامبران جایز نیست» سید مرتضی، تنزیه الأنبیاء، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷.

بنابراین می‌توان با توجه به عبارات‌های شیخ مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد و اوائل المقالات نظر ایشان را این گونه بیان کرد که ایشان در مورد پیامبر اسلام ﷺ قائل به عصمت مطلق می‌باشد یعنی چه پس از بعثت و قبل از آن از تمامی گناهان معصوم بوده و هیچ گونه گناه یا فعل زشتی را مرتکب نشده است و ترک مستحبی هم انجام نگرفته است اما در مورد سایر پیامبران قائل به تفصیل است که بیان شد.

محقق طوسی

«ویجب فی النبی العصمة لیحصل الوثوق فیحصل الغرض ولوجوب متابعته» (۱)

علامه حلی

ایشان در این باره می‌نویسد:

«ذهب الإمامیه إلى أن الأنبياء معصومون قبل البعثة وبعدها عن الصغائر عمداً و سهواً وعن الكبائر كذلك» (۲)

ایشان در آثار دیگر خود (۳) همین موضع را اتخاذ کرده است و در برخی موارد استدلال‌های متعددی نیز آورده است.

سید مرتضی

«قالت الشيعة الإمامية: لا يجوز عليهم

«عندنا أنّ النبي معصوم عن الكبائر والصغائر عمداً وسهواً من حين الطفولية إلى آخر العمر»<sup>(۱)</sup>

فاضل مقداد<sup>(ع)</sup>

«وقال أصحابنا الإمامية رضوان الله عليهم، أنّهم معصومون من جميع المعاصي كباائر وصغائر عمداً وسهواً وخطأً وتأويلاً قبل النبوة وبعدها من أول العمر إلى آخره وهو الحق المصرّح»<sup>(۲)</sup>

شیخ حر عاملی<sup>(ع)</sup>

ایشان نه تنها قائل به عصمت پیامبران از گناهان می باشد بلکه معتقد به مصون بودن ایشان از هرگونه خطا و لغزش و سهو و فراموشی نیز می باشد و کتابی را در همین زمینه تألیف نموده است. در این کتاب با دلایل متعدد عقلی و نقلی به اثبات عصمت پیامبران و پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> از خطا و فراموشی پرداخته است.<sup>(۳)</sup>

کاشف الغطاء<sup>(ع)</sup>

«يعتقد الشيعة الإمامية، أنّ جميع الأنبياء الذين نصّ عليهم القرآن الكريم رسل من الله وعباد مكرمون بعثوا لدعوة الخلق إلى الحق وأنّ محمداً<sup>(ص)</sup> خاتم الأنبياء وسيد الرسل وأنّه معصوم من الخطأ والخطيئة وأنّه ما ارتكب المعصية مدة عمره

وما فعل إلا ما يوافق رضا الله سبحانه حتى قبضه الله إليه»<sup>(۴)</sup>

سید بن طاووس<sup>(ع)</sup>

۱. «از نظر ما پیامبر از گناه کبیره و صغیره عمدی و سهوی از هنگام طفولیت تا آخر عمر معصوم است» بحرانی، میثم بن علی، قواعد المرام، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۳۹۸ق، ص ۱۲۸.

۲. «اصحاب ما شیعہ امامیہ گفته اند: پیامبران از هرگونه کبیره و صغیره عمدی و سهوی و خطایی چه قبل از بعثت و چه بعد از آن از ابتدای عمرشان تا آخر معصوم هستند. و این، قول حق می باشد» سیوری الحلی، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية فی المباحث الکلامیة، ص ۲۴۵.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، التنبيه بالمعلوم، ج اول، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۲۳-۷۳.

۴. «شیعه امامیه معتقد است که همه پیامبرانی که در قرآن نامشان آمده بندگان مکرم هستند و برای دعوت خلق به سوی حق مبعوث شده اند و محمد خاتم پیامبران است و او معصوم از هرگونه خطا و لغزش است و هیچ گونه گناهی در طول عمرش انجام نداده است و جز رضایت الهی فعلی از او صادر نگردیده است» آل کاشف الغطاء، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الامام علی<sup>(ع)</sup>، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۰.

أصحابنا رضوان الله عليهم مع تأييد  
بالنصوص المتطافرة حتى صار ذلك من  
قبيل الضروريات في مذهب  
الإمامية» (۵)

«ونعتقد أنّ رسله ﷺ معصومون من  
الخطأ والزلل ومأمون منهم وقوع السهو  
والخطأ بحيث تحصل الثقة بما يقولون أنّه  
منه ولا يقع الشك فما يذكرونه عنه» (۱)

محقق لاهیجی

۱. «ما معتقدیم پیامبران الهی معصوم از هر  
گونه خطا و لغزشی هستند و از هرگونه  
سهو و خطایی مصون هستند تا به قول  
ایشان اطمینان حاصل شود و شکی در آنچه  
می‌گویند رخ ندهد» ابن طاووس، علی بن  
موسی، الطرائف، چاپ اول، قم، بی نا،  
۱۳۹۹ق، ص ۱۰.

۲. لاهیجی، عبدالرزاق، سرمایه ایمان، چاپ  
سوم، بیجا، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۲ش،  
ص ۹۱.

۳. لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، چاپ  
اول، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۳، ص ۴۲۳.

۴. «عقیده امامیه بر آن که از [پیامبران و  
ائمّه طاهرین ﷺ] هیچ گونه گناه صغیره و  
کبیره، چه به صورت عمد و چه به صورت  
سهو صادر نمی‌شود و هیچ گونه خطا و  
اسهائی از جانب خدا در کارشان نبوده  
است» مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار،  
ج ۱۱، ص ۹۱-۹۰.

۵. «بدان عقیده‌ای که شیعه امامیه در مورد  
عصمت پیامبران و ائمّه از هرگونه گناه و  
پستی و نقصان، چه پیش از نبوت و چه  
بعد از نبوت دارند، مستند به سخن  
پیشوایان ما در این باره است که برای ما  
یقینی و از اجماعیات اصحاب است مؤید  
اجماع اصحاب ما روایات و نصوص فراوان

حق، وجوب عصمت انبیاء است  
مطلقاً از کذب و غیر کذب کبیره  
وصغیره، عمداً و سهواً، بعد از بعثت و قبل  
از بعثت (۲) ایشان، در کتاب دیگر خود  
«گوهر مراد» می‌نویسد: «مذهب امامیه  
تجویز نکند صدور ذنب را مطلقاً  
لا الكبيرة ولا الصغیره لا بالعمد ولا  
بالتأویل ولا بالسهو والنسیان» (۳)

علامه مجلسی

ایشان در ضمن بیان اقوال فرّق  
مختلف در مسئله «عصمت» اعتقاد شیعه  
امامیه را چنین بیان می‌کند:

«مذهب أصحابنا الإمامية هو أنّه لا  
يصدر عنهم الذنب لا صغيرة ولا كبيرة ولا  
عمداً ولا نسياناً ولا لخطأ في التأویل ولا  
لأسهاء من الله سبحانه» (۴) و در جایی  
دیگر می‌نویسد: «فاعلم أنّ العمدة فيما  
اختاره أصحابنا من تنزيه الأنبياء  
والأئمة ﷺ من كل ذنب ودنائة ومنقصة  
قبل النبوة وبعدها قول أئمتنا سلام الله  
عليهم لذلك المعلوم لنا قطعاً بإجماع

ایشان نه تنها سهو در مورد پیامبران را جایز نمی‌داند بلکه اسهاء را نیز که شیخ صدوق به آن قائل است نفی می‌کند.

ابن سینا رحمته الله

ابن سینا در الهیات شفا تصریح می‌کند که مقام انبیاء بالاتر از آن است که سهو و غلط در ساحت ایشان راه یابد: «الأنبياء الذين لا يؤتون من جهة غلطاً أو سهواً»<sup>(۱)</sup>

(ب) معاصرین

در این جا به ذکر اقوال علما و اندیشمندان معاصر شیعه امامیه می‌پردازیم. و منظور از معاصرین، اندیشمندانی هستند که در سده‌های اخیر به عنوان عالمان و صاحب نظران شیعه تلقی شده و می‌شوند.

علامه مظفر رحمته الله

ایشان در این باره می‌نویسد: «ونعتقد ان الأنبياء معصومون قاطبة وكذلك الأئمة عليهم جميعاً التحيات الزاکیات»<sup>(۲)</sup>

علامه طباطبایی رحمته الله

ایشان ضمن تقسیم مراحل عصمت و اختصاص بخش مفصلی به بحث عصمت پیامبران، دلائل متعدد عقلی و نقلی را برای عصمت مطلق پیامبران آورده است<sup>(۳)</sup> که در بخش دلائل عصمت به آنها

اشاره خواهیم کرد.

امام خمینی رحمته الله

اعتقاد ایشان مبنی بر عصمت مطلق پیامبران چنین است:

«خدای تبارک و تعالی که برای مردم هادی می‌فرستد و پیغمبران را انتخاب می‌کند، کسی که خودش از اول عمر تا آخرش یک لغزش نداشته معصوم بوده یک همچو موجودی را انتخاب می‌کند برای این که تربیت کنند مردم را ترکیه کنند و تعلیم کنند»<sup>(۴)</sup>

شهید مطهری رحمته الله

استاد مطهری نیز که یکی از عالمان و اندیشمندان برجسته شیعه امامیه

است به حدی که جزء ضروریات مذهب گشته است.

۱. «پیامبران در هیچ جهتی خطا و اشتباهی ندارند». ابن سینا، ابوعلی، الشفاء، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۴۰ق، فصل ۸، ص ۵۱.

۲. «ما معتقدیم همه انبیاء و همچنین ائمه طاهرین معصوم هستند» مظفر، محمدرضا، عقائد الامامیه، قم، انتشارات انصاریان، بی تا، ص ۵۳.

۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۴. رحیم پور، فروغ السادات (تدوین)، نبوت از دیدگاه امام خمینی، پیشین، ص ۱۲۵.

می‌باشد، به عصمت پیامبران علیهم‌السلام معتقد است، ایشان در این زمینه می‌نویسد:

«و از جمله مـختصات پیامبران «عصمت» است. عصمت یعنی مصونیت از گناه. یعنی پیامبران نه تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار می‌گیرند و مرتکب گناهی می‌شوند و نه در کار خود دچار خطا و اشتباه می‌شوند. برکناری آنها از گناه و از اشتباه حد اعلاّی قابلیت اعتماد را به آنها می‌دهد.»<sup>(۱)</sup>

او در کتاب امامت و رهبری نیز می‌نویسد: «در مورد عصمت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هیچ کس شبهه نمی‌کند و امر بسیار واضحی هم هست... کسی که خدا او را برای هدایت مردم فرستاده در حالی که مردم به هدایت الهی نیاز داشته‌اند نمی‌توانند انسانی جایز الخطا یا جایز المعصیه باشد.»<sup>(۲)</sup>

#### علامه عسکری رحمته‌الله

ایشان نیز با نوشتن کتاب مستقلی در این موضوع با نام «عصمة الأنبياء والرسل» به بررسی دلایل عصمت پیامبران و همچنین آیاتی که متوهم کذب می‌باشد پرداخته و نظریه عصمت انبیاء علیهم‌السلام را تثبیت نموده است.<sup>(۳)</sup>

#### علامه طهرانی رحمته‌الله

«شیعه به طور عموم عصمت را به تمام معنی در انبیاء شرط می‌داند و نیز درباره ائمه معصومین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین قائل به عصمت است» و در جای دیگر می‌گوید: «قوه عصمت در انبیاء و ائمه علیهم‌السلام یک موهبت الهی است... و در هیچ وقت حتی یک لحظه در بیداری و در خواب در حال یسر و عسر و در مواقع رخاء و شدت مقهور و منکوب واردات طبیعی و خیالات خسیسه ماده نشده.»<sup>(۴)</sup>

#### استاد جوادی آملی (مدظله)

ایشان در کتاب تفسیر موضوعی وحی و نبوت در قرآن که به تشریح موضوع نبوت عامه و خاصه پرداخته است ضمن اختصاص بخش مهمی از این کتاب به مسئله عصمت پیامبران می‌نویسد:

«پیامبران و پیشوایان دین: در اراده

۱. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۳، ص ۱۲.
۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ ش، ص ۹۶.
۳. عسکری، مرتضی، عصمة الانبياء والرسل.
۴. طهرانی، محمدحسین، امام شناسی، ج ۱، صفحات ۹ و ۷۹.

و نیت و تصمیم و عزم و اخلاص و تقوا و تولا و تبری معصومند و هرگز مرتکب خلاف نمی‌شوند، آنان بر خلاف واقع انجام نمی‌دهند و سهو و نسیان عارضشان نمی‌شود، ترسو دلهره ندارند و گرد معاصی نمی‌گردند... لذا هم در جزم علمی مصون از آسیب جهل و سهو و نسیان مغالطه و... هستند هم در عزم عملی محفوظ از گزند شهوت عاطل و غضب باطلند...» (۱)

#### آیت الله مکارم شیرازی (مدظله)

ایشان نیز به پیروی از مشهور علمای شیعه امامیه قائل به عصمت مطلق انبیاء می‌باشد. در کتاب پیام قرآن سخن علامه مجلسی را پیرامون عصمت انبیاء آورده و بر نظر ایشان مبنی بر عصمت انبیاء علیهم‌السلام از هرگونه خطا و لغزشی تأکید می‌نماید. (۲)

#### آیت الله سبحانی (مدظله)

استاد سبحانی نیز به عصمت مطلق انبیاء علیهم‌السلام تأکید می‌ورزد. ایشان در موارد متعددی از نوشتارهای خویش متعرض این مسئله شده و عصمت انبیاء را در تمام موارد معتقد شده است. ایشان در کتاب الالهیات و همچنین عصمة الأنبياء فی

القرآن این عقیده را ابراز داشته است. وی در کتاب عصمة الأنبياء می‌نویسد: «...أن الشيعة اتفقت على عصمة الأنبياء عن المعصية صغيرة كانت أو كبيرة سهواً كانت أو عمدًا قبل البعثة أو بعدها» (۳)

#### استاد مصباح یزدی (مدظله)

ایشان نیز در تألیفات خویش به مسئله عصمت انبیاء علیهم‌السلام پرداخته و اعتقاد به این مسئله را جزء ضروریات و قطعیات شیعه امامیه مطرح کرده است، ایشان در این زمینه می‌نویسد: «اعتقاد به عصمت انبیاء علیهم‌السلام از گناهان عمدی و

۱. جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۰۱.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۷، چاپ اول، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۱، ش، ص ۱۸۰-۱۷۵ و همچنین پنجاه درس اصول عقاید از همین مؤلف، چاپ یازدهم، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۶۹.

۳. «شیعه امامیه بر عصمت پیامبران از هرگونه صغیره و کبیره سهواً و عمدًا قبل و بعد از بعثت معتقد است» سبحانی، جعفر، عصمة الأنبياء فی القرآن الکریم، ص ۴۳ و نیز الالهیات، ج ۳، ص ۲۰۰-۱۵۳، و منشور جاوید، ج ۶، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۸-۸۸.



میان امامیه شیخ مفید قائل به تفصیل شده‌اند.

ابن ابی الحدید صدور گناهان صغیره‌ای را که در نزد پیروان آن پیامبر گناه و زشت تلقی نگردد جایز می‌دانند و در میان شیعه امامیه شیخ مفید صدور چنین گناهانی را در مورد سایر پیامبران یعنی غیر از پیامبر اسلام ﷺ و حتی ترک مستحب را جایز شمرده است.

سهوی یکی از عقاید قطعی و معروف شیعه است که ائمه اطهار علیهم‌السلام آن را به پیروانشان تعلیم داده‌اند و با بیانات گوناگونی به احتجاج با مخالفان پرداخته‌اند.<sup>(۱)</sup>

دانشمندان و صاحب نظران معاصر دیگری همچون: آیت الله تبریزی<sup>(۲)</sup>، و آیت الله معرفت<sup>(۳)</sup>، و استاد محمدی ری‌شهری<sup>(۴)</sup>، و استاد خرازی<sup>(۵)</sup> و سید کمال حیدری و سید علی میلانی<sup>(۶)</sup> و... نظریه عصمت انبیاء را در آثار خویش مطرح نموده و به عنوان یکی از اصول اعتقادی قلمداد نموده‌اند به طوری که برخی از ایشان آثار مستقلی را در این مقوله نگاشته‌اند که در پاورقی این صفحه نام این کتب آورده شده است.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

خلاصه آن که طبق دیدگاه اشاعره عصمت انبیاء قبل از بعثت محدود به صدور کفر بوده و صدور گناهان کبیره را از ایشان جایز می‌دانند.

طبق دیدگاه مشهور معتزله و قریب به اتفاق امامیه پیامبران قبل از بعثت معصوم بوده و گناهی را مرتکب نشده‌اند اما در میان معتزله ابن ابی‌الحدید و در

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ص ۲۰۱ و کتاب راه‌شناسی از همین مؤلف، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۴۹-۱۴۷.
۲. ایشان دو کتاب به نام تنزیه الأنبياء و نفی السهو عن النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقوله عصمت نگاشته‌اند.
۳. معرفت، محمدهادی، تنزیه انبیاء، ص ۷ و دیگر صفحات از این کتاب.
۴. محمدی ری‌شهری، محمد، فلسفه وحی و نبوت، ص ۲۰۶.
۵. خرازی، محسن، بداية المعارف الالهية، ج ۱، ص ۲۵۰.
۶. از دانشمند محترم: سید کمال حیدری در این زمینه کتبی با نام: العصمة وعصمة الأنبياء فی القرآن چاپ شده که اولی به قلم محمد القاضی و دومی به قلم محمود نعمة الجیاشی به رشته تحریر درآمده است و از آقای میلانی کتابی به نام العصمة چاپ شده است.